

## بررسی فقهی و حقوقی جبران ضرر معنوی در قذف

لیلا الوانی<sup>۱</sup>، رضا محبی مجد<sup>۲</sup>، محمدصادق جمشیدی راد<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی مرکز تهران جنوب واحد پرند

۲- استادیار، دانشکده علوم انسانی مرکز تهران جنوب واحد پرند

۳- دانشکده علوم انسانی مرکز تهران جنوب واحد پرند

### چکیده

بحث خسارات معنوی از جمله مباحث چالش برانگیز است که قوانین و مقررات کنونی لزوم آن مبرهن می‌سازد؛ اما چگونگی جبران و نحوه‌ی ارزیابی خسارات معنوی ناشی از ضرر معنوی در قذف تعیین نشده است. در نظام حقوقی ایران نیز خسارت معنوی قابل جبران است پژوهشگر بر این باور است که با توجه به مبانی حقوق اسلامی و حقوق ایران، قابلیت جبران خسارت معنوی در قذف و نحوه‌ی جبران آن را استنباط کند: در گستره مطالعه عمیق تطبیقی با بهره‌گیری از عوامل پویایی فقه مانند عقل مستقل بناء عقلا و قاعده لا ضرر است که مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارت معنوی و روشهای جبران قذف در حقوق اسلام و ایران اثبات شده است، اما اختلاف در چگونگی جبران است همانگونه که در ماده ۱۷۱ قانون اساسی بر مفهوم خسارت معنوی و چگونگی جبران است، با توجه به اختیاراتی که به دادگاه داده شده، قاضی بایست به نتیجه وارده و سایر اوضاع و احوال پرونده توجه کند. در نتیجه بارز اینکه، لزوم جبران خسارت به ضرر معنوی قذف، در آرای فقها برای جبران ضرر و زیان معنوی، مصالحه مالی است در صورت عدم صلح در خسارات معنوی با عرفی دانستن ضررهای وارده می‌توان چگونگی جبران و تقویم آن، از دیگر کشورها که پیشرو در خسارات معنوی هستند در صورتی که مخالف شرع و عقل باشد استفاده نمود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش جبران مالی و انواع جبران‌های غیرمالی به منظور ترمیم ضرر معنوی قذف در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع است.

**کلمات کلیدی:** قاعده لا ضرر، خسارت معنوی، ضرر معنوی قذف، فقه اسلامی، حقوق ایران



## ۱. مقدمه

از منظر دین اسلام، انسان، والاترین موجود عالم است که خداوند از روح خود در او دمیده و به ملائکه دستور داده تا بر او سجده نمایند و او را به عنوان جانشین خود در زمین انتخاب کند، اگرچه آدمی حرمت خود را حفظ نماید و حرکت تکاملی را صحیح طی نماید به درجه‌ای خواهد رسید که از فرشتگان هم والاتر می‌رود و به جایگاهی می‌رسد که در ذهن خطور نمی‌کند.

انسان با چنین وضعت و نقش ممتازی سلامت جسمی و مالی وی مورد تأیید است و می‌بایست از هرگونه خطر درامان بماند و هم‌نگهبانی شخصیت او از طرق مختلف در دین اسلام مورد تکریم بود و بر کیاست آن تأیید گردیده است و بر خسارات وارد بر آن اهمیت بالاتری دارد. لذا پیامبر مقصود از بعثت خود را تکمیل نمودن اخلاقیات عنوان می‌کند که یکی از وجوه فضایل اخلاقی رعایت حق اجتماعی اشخاص است.

در اسلام، موارد مشارکتی می‌بایست به طریقی تأمین گردد که درجات نفسانی و ارتقای کمالات معنوی را میسر نماید. لذا باید مشروعیت جبران خسارات معنوی از طرق غیرمالی و مالی تثبیت شود.

به همین منظور قوانین باید اموال مذکور و غیر مذکور افراد را از تعرض و تجاوز پشتیبانی نماید، ضروری است قاعده‌ی الزام‌آوری پیش‌بینی نمایند تا کلیه‌ی اموال غیرمادی اشخاص را از خطرات حفظ کنند.

بنابراین خسارت منحصر به ضرر مادی نیست، بلکه خسارت معنوی ناشی از جرم، به اصلی‌ترین مؤلفه از مؤلفه‌های وجود اصل انسان که همان منظر معنوی و شخصیتی است دچار مشکل نموده و آن را متضرر می‌کند که اکثراً خسارات مادی جبران‌شدنی است و راه‌های جبران آن نیز معین است و در اکثر اوقات اعاده وضع به صورت سابق آن به شکل کامل وجود دارد، اما به سبب سختی اندازه‌گیری خسارت معنوی و تقویم آن به مادیات و اغلب عدم امکان این سنجش آن با پول، امکان جبران آن و اعاده‌ی آن به شکل گذشته بسیار سخت است. دین اسلام بر اساس قاعده‌ی کلی از قبیل قاعده‌ی لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام، قاعده نفی عسر و حرج، مشکلات هرگونه خسارات معنوی و مادی را به افراد به طور کامل رد نموده است. همچنین با مرور روایات و آیه‌های قرآنی، تجاوز به جایگاه و بیان خسارت معنوی به شخص را به صورت کامل رد نموده است. به دستور عقل نیز ایراد خسارت معنوی، ضرر به حساب آمده و شخص بیان‌کننده باید به دنبال جبران باشد.

در حقوق موضوعه ایران نیز، در اصول ۳۹ و ۴۰ ایراد هرگونه خسارت رد شده و بر اساس اصل ۲۲ و ۲۳ و ۳۲ همان قانون، لطمه به حقوق معنوی افراد ممنوع شده است و اگر ضرری به شخصیت و سرمایه معنوی فردی وارد آید بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی باید جبران گردد.

با توجه به اهمیت این موضوع در عصر حاضر، حقیر سعی بر آن دارم که با بررسی در منابع معتبر فقهی به خصوص فقه شیعه و نیز محدوده‌ی قوانین و حقوق موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران، به بحث و تجزیه و تحلیل جبران خسارت معنوی در قذف از منظر فقهی و حقوقی پردازم.



## ۲. مبانی فقهی جبران ضرر معنوی

دین اسلام دین جایگاه و معنویات است، چطور امکان دارد که خسارات مادی اشخاص را مدنظر قرار داد اما سرمایه‌های معنوی و خسارات روحی آن‌ها را لحاظ نمود و راهی برای جبران این گونه خسارات شناسایی نکرد؟ به سبب جایگاه این مسأله در این مبحث به ارزیابی مبانی فقهی و حقوقی خسارت معنوی پرداخته خواهد شد. با توجه به ضرورت جبران خسارت در اسلام و فقه علی‌الخصوص ضررهای معنوی که بر شخصیت اشخاص وارد شده و سبب خسارات مادی و معنوی می‌گردد.

حرمت تضييع حقوق و تكاليف اخروي معنوی به دليل آسیب به حیثیت شخصی، حیثیت و موقعیت مشارکتی و سایر دارایی‌های غیرمالي و مادی افراد از منظر فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی جای تردید ندارد. با تحلیل احکام و مقررات شرعی به طور قطع می‌توان اذعان کرد که احترام به سرمایه‌های معنوی و توجه به حدود آنها به مراتب بالاتر از تلاشی است که برای حفظ سرمایه انسانی انجام شده است.

**الف) آیات:** خداوند در آیه ۷۰ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم) (اسراء / ۷۰).

مقصود از واژه کرامت اشخاص این است که انسان دارای حرمت می‌باشد و حق دارد در جامعه به شکل محترمانه زندگی نماید و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش شخصیت او را با خطر روبه‌رو کند. چطور امکان دارد اشخاص با این جایگاه و کرامت که خداوند به او بخشیده مورد خسارت معنوی و روحی قرار گرفته و شخصیت او به خطر بیفتد ولی راه برگشتی برای آن نباشد. از این آیه به درستی می‌توان این نکته را درک نمود که ضرر زدن به افراد با چنین جایگاه و مقامی به هر روی که باشد مذموم بوده و فرد زیان‌زننده باید به دنبال جبران آن برآید.

**ب) روایات:** از نظر اسلام پاسداری از جان و مال و آبروی افراد و حتی افکار آنان محترم است و لکه‌دار کردن آبروی مؤمن گناه کبیره است. ولایت شخصیت مؤمن آن قدر مهم است که خداوند آن را برعهده گرفته است، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «از خدا خواستم که در روز قیامت حساب امت را به من واگذار کند تا اگر بندگان لغزشی داشتند آبروی من نزد پیامبران نرود، خداوند پاسخ داد: خودم به آنها رسیدگی می‌کنم تا اگر آنها می‌لغزند، آبروی آنها به شما نمی‌رسد.» (خوانساری، ۱۴۰۵، ق، ص ۲۹۲).

### - قاعده‌ی لا ضرر

یکی از اصلی‌ترین قواعدی که پایه‌ی جبران ضرر و زیان و مسئولیت مدنی عامل خسارات است، قاعده‌ی مشهور «لا ضرر» است که از حدیث نبوی (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) گرفته شده و یکی از اصلی‌ترین اصول عقلی است که علاوه بر حکم عقل، در آیات و روایات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل در فقه و حقوق اسلامی دارای محدوده‌ی پهناوری است که در ابواب گوناگون فقه مثل عبادات، معاملات و غیره مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. قاعده لا



ضرر به معنای نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است (مرعشی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۳). جایگاه این قاعده به حدی است که اکثر فقیهان سنتی و مدرن در تألیفات خود مطالعات جداگانه‌ای را به آن اختصاص داده‌اند. معنای حدیث لا ضرر به شکل مختصر و کوتاه این است که ضرر در اسلام دارای مشروعیت نیست که این هم شامل مرحله قانون‌گذاری و هم اجرای قانون می‌گردد (شریعت اصفهانی، ۱۴۰۶، ص ۱۷).

**ج) بنای عقلا:** بنای عقلا که به گفته برخی از فقها یکی از مفاهیم کلیدی و اصلی در فقه شیعه است و بسیاری از قواعد فقهی مانند اصل صحت، قاعده ید یا قاعده تصرف، اصل وجوب یا اصل وجوب عقود مبتنی بر بنای عقلا اعتبار شرعی یافته است. همچنین در مواردی مانند حجیت ظواهر، اصل صدق، اصل عامه و حجیت خبر واحد که از نظر علما، مبنای فقه بر آن استوار است، مبنای عقل دلیل اصلی است؛ و اصل اجتهاد و تقلید و جواز رجوع به مجتهد. بر جهان پایدار است (بجنوردی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۷).

**د) دلالت عقلی:** عقل در مواردی که ضرر معنوی به افراد وارد شود آن را ضرر به حساب آورده و در صورتی که چنین خسارتی به وجود آید حکم به جبران این خسارت می‌کند. بنابراین می‌توان بیان داشت که طبق قاعده‌ی «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع» به دلیل اینکه عقل حکم به جبران نمودن ضرر معنوی وارد شده بر اشخاص می‌نماید. لذا قاعده‌تاً چنین نظریه‌ای از نظر شرع نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. لذا بنا بر قاعده‌ی عقلی، خسارت و ضرر معنوی نیز باید جبران شود.

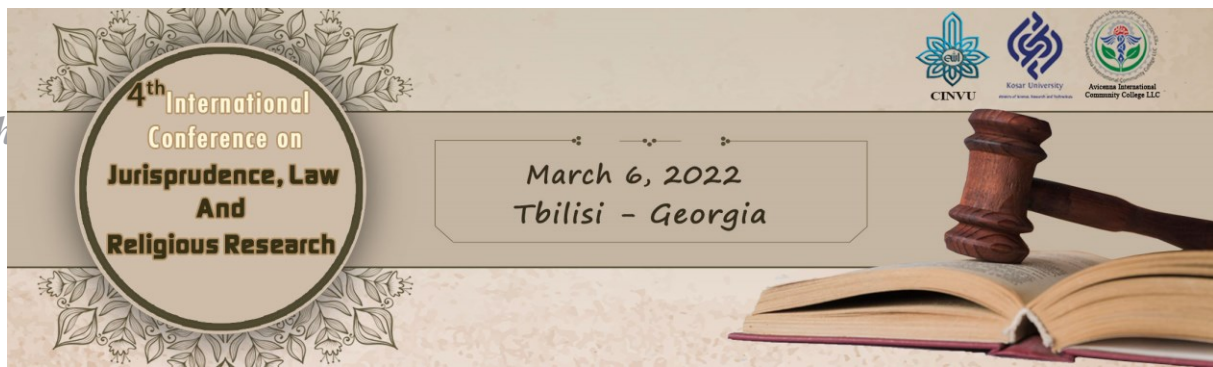
**ه) حسن و قبح عقلی:** حکم عقل به درستی یا نادرستی کاری قطع نظر از حکم شارع، حسن و قبح عقلی بیان می‌شود که در مقابل حسن و قبح شرعی است و از آن در اصول فقه بحث نموده‌اند. مراد از حسن و قبح عقلی این است که افعال قطع نظر از حکم شارع مقدس، در ذات خود دارای حسن و قبح‌اند که عقل بدان حکم می‌نماید (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

**ی) طریق اولویت:** منطبق حقوق اسلامی به ما آموزش می‌دهد که اگر شخص قانون‌گذار دارای‌های بی‌ارزش را از تعرض مصون داشته و جبران ضرر به آن را الزامی دانسته است به روش اولی باید مصونیت دارای‌های باارزش‌تر را شناسایی و تضمین کند و آن را با جبران خسارت وارده، مورد پشتیبانی جدی قرار دهد. هر فردی که سبب ضرر مادی و بدنی به اشخاص گردد مسئول است و مجبور به جبران ضرر وارده است. در حقوق موضوعه ایران و فقه اسلامی نیز بر این اصل تأکید نموده و راهبردهایی به سبب جبران این گونه ضرر قرار داده شده است.

### ۳. مبانی قانونی جبران ضرر معنوی

#### ۳-۱. ضرر معنوی در قانون اساسی

قانون اساسی ایران اصلی‌ترین سند حقوقی است که چارچوب اصلی ساختار حکومت و حدود، وظایف و اختیارات قوای سه‌گانه مقننه، مجریه، قضائیه و اصول حاکم بر روابط بین قوای حکومتی را مشخص می‌کند. دولت و ملت و بر آزادی‌های عمومی تأکید کرده است، به‌عنوان مثال می‌توان به اصول زیر اشاره کرد: در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون مقرر کند». بسیاری از



حقوق بشر مندرج در قانون اساسی از قبیل شخصیت و حیثیت، آزادی، تساوی در برابر قانون، برخورداری از دادرسی عادلانه جنبه اخلاقی داشته و آسیب به آنها زیان اخلاقی محسوب می‌شود و پذیرش این حقوق مستلزم آن است؛ که ضرر هر کدام حرام است و در صورت بروز خسارت، مرتکب باید به نحو مقتضی جبران کند. و در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است: هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوعی یا در حکمی یا در تطبیق حکم در موردی معین، کسی متضرر شود. ضرر معنوی، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضمانت دارد. در غیر این صورت خسارت وارده توسط دولت جبران می‌شود و در هر صورت متهم اعاده می‌شود. بر اساس این اصل، از منظر حقوق موضوعه ایران، هر نوع ضرر مالی یا معنوی می‌بایست به شکل مناسب جبران گردد؛ و یکی از عوامل بروز چنین خسارتی تصمیم نابجا و مبتنی بر تقصیر و یا اشتباه قاضی است که در اصل مورد اشاره آمده است.

### ۳-۲. ضرر معنوی در قانون مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی را می‌توان اصلی‌ترین منبع حقوقی در زمینه خسارات معنوی پس از قانون اساسی دانست و در برخی از مواد این قانون به موضوع خسارت معنوی توجه شده است. در اینجا برخی از این مواد آورده شده است: در ماده ۱ این قانون آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

ماده ۲ مقرر می‌دارد: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنان چه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود». بر اساس این ماده ضرر مادی و معنوی به صورت جداگانه سبب مسئولیت مدنی می‌گردد.

### ۴. مبانی نظری مسئولیت ناشی از جبران ضرر معنوی

اجبار به جبران خسارت نیاز به ادله دارد که در این خصوص دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده که در چهار نظریه زیر خلاصه می‌شود:

۴-۱. **نظریه تقصیر:** بر اساس دیدگاه تقصیر یا نظام مسئولیت شخصی و محدود، مسئولیت مدنی چندان گسترده نیست و کم است به گونه‌ای که عامل حادثه زیان‌بار مرتکب خسارت شده است و تنها در صورت ارتکاب عمل غیرعادی باید جبران کند؛ و آن رفتار عامل خسارات است. به کارگیری این نظریه به این نتیجه می‌رسد که چون زیان‌دیده قادر به جبران خسارت از فرد است، باید ثابت کند که تقصیر شخص اخیر ناشی از ضرر بوده است (بجنوردی، ۱۳۵۵، ص ۲۰۰). بر اساس این دیدگاه، برای اینکه زیان‌دیده بتواند از شخصی مطالبه خسارت کند، باید ثابت کند که ضرر زیان‌دیده موجب خسارت شده است.

۴-۲. **نظریه خطر:** این دیدگاه بیان می‌دارد تا تقصیر را از جمله‌ی ارکان ایجاد مسئولیت کنار بگذارد و صرف ایجاد زیان را برای مسئولیت کافی به حساب می‌آورد. طبق این دیدگاه، برای تحقق مسئولیت مدنی وجود تقصیر اجباری



نیست بلکه هر فردی کاری انجام بدهد که در مقابل آن به غیر ضرری وارد شود، مسئول جبران خسارت وارده است ولو مقصر هم نباشد. طرفداران دیدگاه خطر بیان می‌کنند: به دلیل اینکه هدف مسئولیت مدنی بیشتر جبران خسارت زیان‌دیده است، تقصیر در اکثر مواقع در دسته‌ی ارکان مسئولیت مدنی نیست و همین که فرد ضرری به بار آورد، باید آن را جبران کند و در صورتی که بین فاعل و زیان وارده ارتباط علیت ایجاد شود، برای حکم به جبران خسارت کافی است، چه عمل فاعل متضمن خطا باشد یا نباشد. از منظر پیروان این نظریه، قبول تقصیر به شکل پایه و اساس مسئولیت مدنی، وافی مقصود نیست (بجنوردی، ۱۳۵۵، ص ۲۰۱).

**۳-۴. نظریه‌ی تضمین حق:** در دو دیدگاه تقصیر و خطر که دلایلی بیان شد، مبنای مسئولیت مدنی فعل مرتکب خسارت است و آثار فعل مرتکب مورد توجه قرار گرفته است، اما دیدگاه دیگری مطرح شده است که به نظر می‌رسد حقوق قربانی و تضمین قانون‌گذار. این دیدگاه که «ضمانت حقوق» نامیده می‌شود توسط بوریس استارک، حقوقدان برجسته فرانسوی بیان شده است که ضمن تفکیک حقوق جسم و روح انسان از حقوق مادی و معنوی، در صدد اثبات برتری حقوق برآمده است. از بدن او است و می‌گوید که هر فردی حق دارد در جامعه خود زندگی سالم و ایمن داشته باشد و حقوق او تضمین شده است. هیچ‌کس حق ندارد حقوق، سلامت و ایمنی دیگران را به خطر بیندازد؛ بنابراین به محض ضایع شدن حق و وقوع ضرر، عامل ضرر مکلف به جبران آن است؛ و این تعهد به جبران ضرر و زیان را مسئولیت مدنی می‌گویند.

**۴-۴. نظریه‌های مختلط:** با توجه به اینکه مشخص شده دو نظریه‌ی تقصیر و خطر هیچ‌کدام به تنهایی به شکل کامل قادر به تأمین عدالت در اجتماع نمی‌باشند، لذا بعضی از حقوق‌دانان به دیدگاه سومی روی آورده و بیان می‌کنند: در مواردی مبنای مسئولیت مدنی تقصیر است و در برخی دیگر مبتنی بر ریسک است، یعنی هر دو دیدگاه ارزش‌گذاری شده و به طور نامحدود مبنای مسئولیت در نظر گرفته شده است، هر چند در تعیین محدوده و جایگاه آنها هر یک در ایفای مسئولیت با یکدیگر موافق نیستند، زیرا برخی معتقدند مسئولیت مدنی معمولاً از روی تقصیر است و در مواردی که عدالت و انصاف بر عهده خطر خواهد بود و برخی متوجه هر دو می‌شود، به عنوان طرف و طرف. آنها همین شکل را مبنای مسئولیت مدنی می‌دانند اما موضوعی که بین آنها پیش می‌آید تعیین محدوده دیدگاه تقصیر و خطر است. از آنجا که دامنه مسئولیت به مسئولیت ناشی از فعل شخص، مسئولیت ناشی از فعل دیگری و مسئولیت ناشی از مالکیت و تصرف اشیاء و حیوانات تقسیم می‌شود، مصلحت است که مسئولیت ناشی از فعل فرد باشد. بر اساس تقصیر و مسئولیت در دو دسته اخیر. اساس دیدگاه خطر را بگذارید؛ بنابراین در صورت اول، شاکی باید مجرمیت خوانده را ثابت کند. همچنین در صورت اخیر، شاکی نیازی به اثبات جرم متهم نخواهد داشت (طاهری، بی تا، ص ۲۹۰).

**۵-۴. نظریه‌ی تقصیر و خطر در فقه اسلامی:** با توجه به اینکه مسئولیت‌های مدنی یکی نیستند، بنابراین نمی‌توان همه مسئولیت‌ها را تابع یک قاعده قرار داد و یا اساس همه مسئولیت‌ها را یکسان دانست و محدود کردن مبنای مسئولیت به یک چیز، موجب اختلاف نظرها می‌شود. در موارد مختلفی که ذکر شد، این اختلاف سلیقه کاملاً مشهود بود، اما در



فقه اسلامی اصول زیادی برای مسئولیت بیان شده است و در هر موردی می توان با مبنای متناسب با آن اثبات مسئولیت نمود که این، نشان از پرتحرک بودن حقوق اسلامی است که در تمامی موارد از مبنای واحدی استفاده نشده است.

### ۵. مفهوم ضرر معنوی در فقه و حقوق موضوعه ایران

مهم ترین مسأله ای که در بحث جبران خسارت معنوی باید به آن اشاره شده است. تعریف ضرر و زیان معنوی است که در زبان عربی جدید با همین اصطلاح ولی تحت عنوان «الضرر الأدبی» بیان می شود. به سبب این که معنی ضرر معنوی برای همه مشخص است، بیان یک تعریف اساسی گاهی غیرممکن است. دو واژه «ضرر» و معنویت از مفاهیم عامه ای می باشند که از نظر معیارهای منطقی قابل بیان نیستند «اکثر تعاریف دارای ضوابط و نشانه های تعریف صحیح نبوده و اشکالاتی نظیر دور در آن ها به چشم می خورد» (مرعشی، ۱۳۷۰، ص ۳۸).

در حقوق موضوعه از خسارت معنوی تعریفی به میان نیامده است اما بعد از قانون مدنی خسارت معنوی به صورت صریح پذیرفته شده به شکلی که در ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری قانون گذار آن را بیان نموده است: «... ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت و اعتبار اشخاص یا صدمات روحی». این مفهوم نیز به بیان دو تعریف از مصادیق ضرر معنوی پرداخته و تعریف آن را به طور جامع ذکر نکرده است. همچنین ماده یک قانون مدنی با اضافه کردن واژه عام «... هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». این مفهوم را تکمیل نموده است مثل پشتیبانی از زندگی خصوصی اشخاص، حق بر تصویر، حق مؤلف و هنرمند و نگهداری حقوق مربوط به حقوق مالی و معنوی اشخاص (نقیبی، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

### ۶. خسارت معنوی در حقوق بیگانه

در حقوق بین الملل نیز به مفاهیمی مشابه با تعاریف بیان شده، برخورد می نمایم. برای مثال در دائره المعارف حقوق تطبیقی بیان شده است: شورای اروپا در پژوهشی با عنوان «جبران خسارت معنوی» نشان دادند که واژه زیان غیرمادی، در اصل، به ضرر و زبانی گفته می شود که با معیارهای مادی و پولی قابل اندازه گیری نیست. معنای اصلی خسارت معنوی امکان دارد در نظام های گوناگون حقوقی مقداری متفاوت باشد «در حقوق فرانسه نیز افرادی همانند «استارک» خسارت معنوی را به آشفستگی در جوانب حیاط بشر» بیان نموده اند، تعبیری که نخستین بار در یکی از آرای مجلس آن کشور لحاظ گردیده است (اسماعیلی، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

### ۷. مصادیق خسارت معنوی در فقه و حقوق موضوعه

در دیدگاه دینی، فقه و دین اسلام حرمت انسان بسیار ارزشمند است چنان که هتک حرمت اشخاص به وسیله خود او یا دیگری به منزله هتک حرمت الهی تلقی می گردد چرا که حرمت او والا تر از مهم ترین حرمت های الهی یعنی بیت الله الحرام است. بدین سبب می توان بیان نمود شناسایی حرمت و کرامت انسان ایجاب می نماید که حقوق و منافع معنوی او مورد پشتیبانی قرار بگیرد.



۱-۷. **هتک حریم خصوصی:** یکی از تعاریف خسارت معنوی، تجاوز به حریم خصوصی است. حریمی که انسان‌ها بنا به ذات خود آن را می‌شناسند و به آن پناه می‌برند و انتظار دارند که افراد دیگر بدون رضایت آنها وارد آن قلمرو نشوند. در فقه و دین اسلام حمایت از حریم خصوصی از جایگاه بالایی برخوردار است؛ زیرا دین مبین اسلام دین جامع و کامل و نهایی ادیان الهی است که حریم خصوصی افراد را مورد توجه قرار داده است که خود مصادیق گوناگونی دارد.

۲-۷. **افتراء و تهمت:** افتراء نوعی دروغ است با این تفاوت که افتراء دروغ بر ضد دیگران است با کلامی که آنان بدان رضایت ندارند اما «کذب» گاهی در حق خود است و اغلب در حق دیگران، افزون بر این که اشخاص ممکن است رضایت به آن نیز داشته باشند، مثل این کلام غیرواقعی در مدح شخصی با هدف اصلاح بین متخاصمین بیان گردد که چنین کلامی دروغ است، اما افتراء نیست.

۳-۷. **توهین و فحاشی:** یکی از مصادیق بارز وارد آوردن آسیب اخلاقی به افراد، اهانت به آنان است که در منابع فقهی و روایات و احکام به اشکال مختلف بیان شده است. در فقه اسلامی به این موضوع توجه ویژه‌ای شده است و این به دلیل احترام فراوانی است که اسلام برای افراد و جایگاه آنها قائل است. همچنین تهمت زدن به پیامبر گرامی اسلام (ص) یا یکی از معصومین (ع) جرم محسوب می‌شود و مرتکب آن قابل مجازات است (علامه حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۱۵۴).  
۴-۷. **غیبت کردن:** شیخ انصاری (ره) بیان می‌کند: «از مجموع اخبار و کلمات فقها در تعریف غیبت به دست می‌آید که غیبت عبارت است از سخن گفتن پشت سر مردم به کلامی که غیبت شونده از آن کلام بدش می‌آید» (شیخ انصاری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۲۷۶).

۵-۷. **قذف:** از دیگر رفتارهای نامناسب در جامعه میان افراد؛ که سبب ایجاد ضرر معنوی می‌شود قذف است. این اصطلاح عربی است و از نظر لغت به معنای انداختن و پرت کردن است (راغب الصفهانی، ۱۳۷۳، ماده قذف). در اصطلاح نسبت زنا یا لواط به زن و مرد دادن (الحلی، ۱۳۸۹ ق، ج ۴، ص ۱۶۲).  
با توجه به معانی فوق مشخص می‌شود که بین معنای لغوی و اصطلاحی رابطه مستقیم وجود دارد. این بدان معناست که متخلف اصولاً سخنان نادرست و نسبت‌های نامناسب را مانند تیری به سوی مردم هدف قرار می‌دهد و با این نسبت‌های نامناسب او را ترور می‌کند و حیثیت و اعتبار مردم را خدشه‌دار می‌کند.

## ۸. نحوه‌ی ارزیابی خسارت معنوی

یکی از اصول مسلم جبران خسارت معنوی، اعطای مال به زیان‌دیده به اندازه خسارت وارده است که غالباً مبلغی خواهد بود. در جبران خسارت مادی، قاضی با ارجاع بررسی و تقویم خسارت به کارشناس یا کارشناسان مربوطه، بنا به نظر آنان حکم به جبران خسارت می‌دهد، اما در جبران خسارت معنوی، تعیین میزان خسارت و تحلیل آن مشکل است؛ و آن را تقویم کنید زیرا افراد مختلف می‌توانند آن را یاد بگیرند، است؛ بنابراین، یافتن یک قاعده کلی و ثابت که برای همه افراد قابل اجرا باشد، آسان نیست. به همین دلیل قاضی باید در ارزیابی خسارت معنوی، میزان و شدت آسیب، حیثیت و





منزلت خانوادگی و موقعیت اجتماعی زیان دیده را کاملاً در نظر بگیرد. در هر صورت قاضی باید کل وضعیت را بررسی کند و سپس خسارت را بررسی کند. به عنوان مثال، توهین به یک فرد در یک برنامه پرمخاطب تلویزیونی را نمی توان با توهین به انبوه مردم و همچنین توهین به فردی که در بین مردم بسیار محبوب است، یکی دانست؛ بنابراین در ارزیابی خسارت معنوی جبران خسارت مالی باید به عوامل روانی و باطنی قربانی و وضعیت بیرونی وی اعم از خانوادگی و اجتماعی و شدت و ضعف آسیب و همچنین عناصر روانی و باطنی آسیب وارده توجه شود (ره پیک، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴).

## ۹. نحوه تعیین جبران خسارت

تعیین جبران خسارت به سه روش زیر صورت می گیرد:

- ۱- **تعیین قانونی:** ضروری است که قانون گذار به صراحت مبلغ خسارت را در قانون بیان می دارد و قاضی حق ندارد که مبلغ مقطوع را تغییر دهد.
  - ۲- **تعیین توافقی:** روش دوم تعیین خسارت، تعیین با توافق طرفین قبل از محکومیت به جبران زیان و خسارت است. این نوع تعیین خسارت در مسئولیت قراردادی متعارف است.
  - ۳- **تعیین قضایی:** روش سوم تعیین خسارت، تعیین قضایی مبلغ خسارت است. در این روش معین نمودن خسارت به قاضی سپرده می شود. پس اگر در عقد یا قانون مبلغ خسارت معین نگردد، قاضی دارای صلاحیت لازم در تحلیل و تعیین مبلغ خسارت است و به آن حکم خواهد کرد.
- ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به این اختیار و قدرت قاضی اشاره کرده و جبران ضررهای معنوی و تقویم آن در اختیار دادگاه گذاشته شده است (ره پیک، ۱۳۸۸، ص ۷).

## ۱۰. تعزیر و جبران خسارت معنوی از دیدگاه فقهی

جبران خسارت معنوی در مواردی که امکان پذیر نباشد از دو طریق دیگر امکان پذیر خواهد بود. یکی به عنوان مسئولیت مدنی طبق قاعده «لا ضرر» که در فصل قبل ذکر شد و دیگری مسئولیت کیفری که با استفاده از قاعده کلی تعزیر ثابت می شود. می توان اذعان داشت که تعزیر به مجازات نامعین و مشمول نظر حاکم شرع اطلاق می شود. از آنجایی که اداره جامعه و حفظ نظم عمومی یکی از رسالت های اصلی حکومت اسلامی است و با توجه به اینکه تعیین مجازات برای انواع جرائم و مجازات مرتکبین با توجه به موقعیت و زمان و مکان خاص غیر ممکن است؛ و هر کس به طرق خاصی ممکن است شارع مقدس علاوه بر مواردی که مجازات را مشخص کرده است، به حاکم شرع نیز اجازه داده است که مجرمان را در موارد دیگر به تشخیص خود تشریح و مجازات کند؛ و اختیار. می توان گفت حکم به پرداخت وجه در مقابل خسارت معنوی به غیر از مواردی است که مشمول این قاعده می شود.



## ۱-۱۰. روش‌های جبران خسارت در لطمه‌های روحی در فقه

منشأ آسیب روانی افراد مختلف می‌تواند در نتیجه آسیب جسمی یا وحشت، آدم‌ربایی، دیدن حوادث تلخ، هتک حرمت اعتقادات مذهبی، احساسات ملی، احساسات قومیتی، هتک حرمت محل سکونت، سلب آزادی، بازداشت غیرقانونی، توهین، تهمت باشد؛ و تهمت و ده‌ها مورد دیگر می‌تواند منشأ شکل‌گیری آسیب‌های معنوی در انسان باشد. علاوه بر روش‌هایی که برای جبران خسارات معنوی بیان شده است، یکی از روش‌های اصلی جبران این خسارات، روش‌های غیرمادی است، مانند عذرخواهی شفاهی یا کتبی یا حتی عذرخواهی در مطبوعات یا برائت. دارایی‌های نامشهود غرامتی است که می‌تواند برای جبران خسارت قربانی و تسکین او استفاده شود.

در خصوص روش‌های جبران خسارات معنوی می‌توان گفت: گرچه در فقه اسلامی روش متعارفی برای جبران خسارات معنوی وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد روش‌های رایج در حقوق موضوعه اعم از جبران خسارت مالی و غیرمالی می‌تواند در فقه قابل قبول باشد؛ زیرا روش‌های جبران خسارت نسبی و حاصل دیدگاه حقوقی و اجتماعی در هر دوره است و آنچه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد جبران خسارت وارده به زیان‌دیده است. بر این اساس است که ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نحوه و کیفیت جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال پرونده در اختیار دادگاه قرار داده و قاضی را در انتخاب روش مناسب باز می‌گذارد؛ بنابراین نمی‌توان روش‌های جبران خسارات معنوی را انحصاری دانست زیرا در خسارت، جبران خسارت موضوع مهمی است و نحوه جبران آن روشی است نه ذهنی. در یک مورد ممکن است فقط پول باشد و در مورد دیگر ممکن است یک عذرخواهی ساده باشد (داراب‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵). با توجه به مطالب بیان شده در صورتی که رد عین مال امکان دارد، جبران عینی مقدم بر همه چیز است، در غیر این صورت، پرداخت مثل یا قیمت مطرح می‌شود مثل موردی که در مقابل ترس زنان و کودکان قبیله بنی خزیمه، از سوی امیرالمؤمنین (ع) مقداری مال پرداخت گردید که این صرف جبران خسارت معنوی به روش مالی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۴۰).

## ۲-۱۰. حد جبران خسارت معنوی در فقه

در قانون مجازات اسلامی به تخلفاتی که موجب حد می‌شود از جمله: «زنا، لواط، زنا، قذف، ترک، ارتداد، شرب خمر، دزدی، قطع راه» آنچه در اینجا مورد بحث ماست، قذف و افترا است که در فقه و قانون برای مجازات مرتکب تعریف شده است.

- **عواقب کیفری قذف، تهمت و افتراء:** قذف و افتراء در اصل دو نوع مجازات دارد: مجازات اصلی و مجازات تبعی.

خداوند در قرآن کریم در آیه ۴ سوره‌ی نور می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» «کسانی که به زنان عقیف نسبت زنا بدهند و آنگاه چهار شاهد نیاورند هشتاد تازیانه به آنها بزنید و هیچ‌گاه شهادتی از آنها نپذیرید که آنها فاسق‌اند» (نور/۴). خداوند در آیه ۲۳ سوره نور می‌فرماید «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» بی‌گمان، کسانی که به زنان پاک‌دامن بی‌خبر [از همه‌جا] و با ایمان نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آنها



عذابی سخت خواهد بود. با توجه به آیه فوق، چنین نتیجه گرفته می‌شود که خداوند در هیچ جرمی چنین سخت‌گیری نکرده است که ما آن را در جرم قذف مشاهده می‌نماییم.

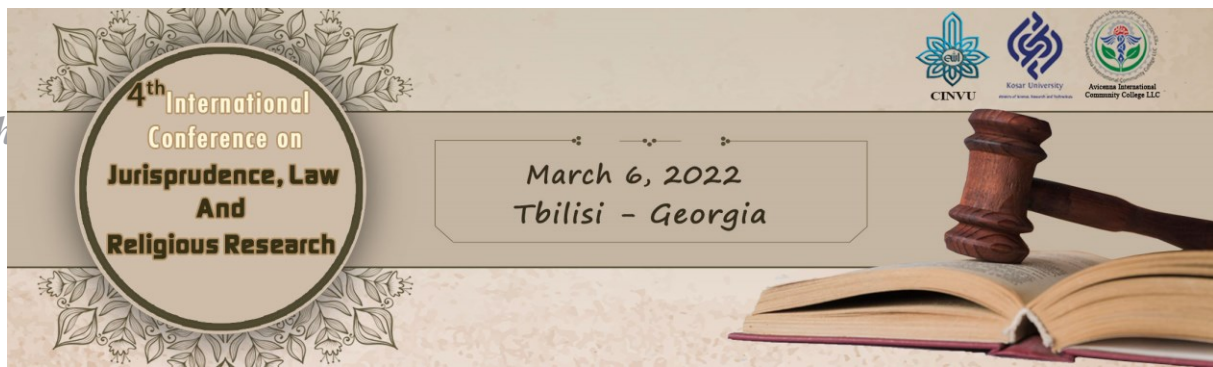
### ۱۱. حد قذف به جبران ضرر معنوی در حقوق ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلی‌ترین سند حقوقی و به‌عنوان یک میثاق ملی است که ضرورت حمایت از حقوق و آزادی‌های عمومی را در اصول متعددی بیان کرده است. در اصل دوم قانون اساسی از جایگاه والای انسان و آزادی در کنار مسئولیت به‌عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی یاد شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۱).

بر اساس اصل بیست و دوم دیوان کیفری بین‌المللی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون مقرر کند. لازمه مصونیت این شخصیت انسانی این است که تجاوز آنها به عهده مرتکب تجاوز اعم از دولت یا اشخاص حقیقی باشد و همچنین اصل ۱۷۱ قانون اساسی که برای اعاده نظام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شرافت و حیثیت افراد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که یکی از منابع اصلی حقوقی است که در مواد مختلف به صراحت خسارات معنوی را ذکر کرده و جبران مالی را پذیرفته است، می‌گوید: هر شخصی بدون اذن قانونی عمداً یا در نتیجه قصور به جای ضرر رساندن به سلامتی، مال را وارد کند. آزادی، حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای اشخاصی که موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. قانون‌گذار در این ماده به صراحت از حقوق غیرمالی که پشتوانه قانونی دارد حمایت کرده و برای مرتکبین مسئولیت مدنی پیش‌بینی و آنها را به پرداخت خسارت معنوی مجبور کرده است. طبق ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی، خسارات وارده به حیثیت، حیثیت و موقعیت اشخاص که از مصادیق بارز خسارات معنوی محسوب می‌شود، موجب مسئولیت مدنی زیان‌کننده می‌شود. این ماده مقرر می‌دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۴۱-۴۰).

در ماده ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: حد قذف به همه ورثه‌ها به غیر از همسر منتقل می‌شود و هر یک از ورثه‌ها می‌تواند تعقیب و اجرای آن را خواستار شود، هر چند دیگران گذشت کرده باشند. بنابراین فقط شخص زیان‌دیده و وراثت فرد یا سایر قائم مقامهای قانونی فرد زیان‌دیده می‌توانند مطالبه خسارت کنند.

همچنین دشنام و فحاشی باعث آثار و اذیت روحی و کسر شأن اجتماعی مخاطب می‌شود، لذا قانونگذار برای تسلی خاطر زیان‌دیده و اعاده‌ی حیثیت او و جبران آزار و اذیت وارده و کسر شأن اجتماعی او و برای جلوگیری از تکرار چنین اعمالی و تنبیه مرتکب قذف و دشنام یا تنبیه دیگران، قانونگذار به استناد روایات و کتب فقهی در مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن را جرم اعلام نموده و مجازات آن را، تا ۸۰ تازیانه شلاق پیش‌بینی کرده است. بنابراین قذف و دشنام از مصادیق خسارات معنوی است که قانونگذار از طریق اجرای مجازات به جبران خسارت زیان‌دیده می‌پردازد.

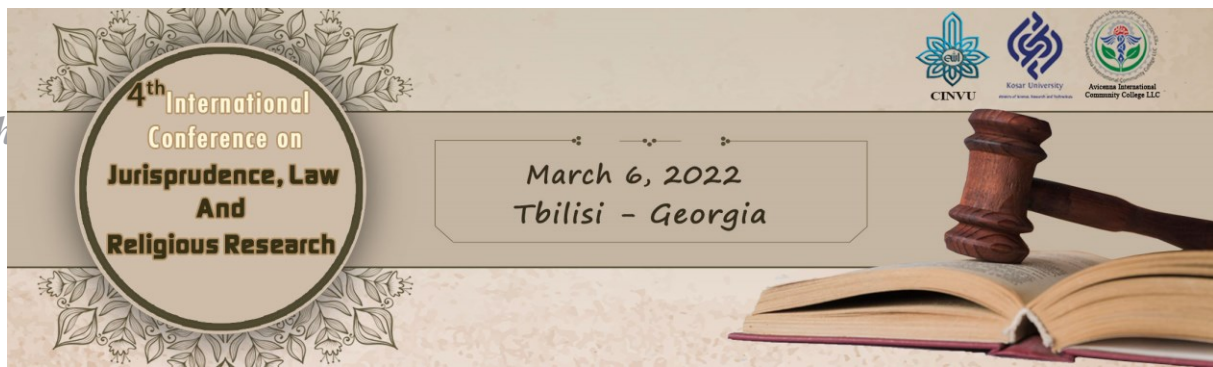


طبق ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود».

ماده ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی بند الف بیان می‌کند «هرگاه مقذوف، قاذف را تصدیق کند (تصدیق نسبت داده شده، حق قذف ساقط می‌شود)». بنابراین تصدیق اعم از اقرار است. اقرار دارای شرایط ویژه‌ای از نظر دفعات، شکل، محتوی و شرایط مقرر است. تصدیق یا تأیید، یک بار هم محقق می‌شود، ولی تصدیق یا تأیید اقرار در معنای اثباتی است (آقایی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

در ماده ۲۵۲ ق قانون مجازات اسلامی: «کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار برد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر، یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌شود».



## ۱۲. نتیجه گیری

می توان گفت به رغم اینکه در فقه اسلامی روش صریحی برای جبران ضررهای معنوی وجود ندارد، لیکن به نظر می رسد که روش های متداول در حقوق عرفی و موضوعه در فقه قابل پذیرش است: اعم از جبران های مالی و غیرمالی؛ چرا که روش های جبران خسارت اموری نسبی و حاصل اندیشه های حقوقی و اجتماعی در هر عصر هستند و روش هایی که اکنون به منظور جبران ضرر معنوی به کار می روند، قطعاً غیرعقلانی نیست و در مواردی که سکوت شرعی وجود دارد، فقها به سیره و بنای عقلا استناد می کنند. لذا روش های موجود با احکام و مبانی شرعی مخالفتی ندارد؛ بنابراین پذیرش جبران مالی و انواع جبران های غیرمالی در مورد ترمیم ضرر معنوی در فقه اسلامی نیز قابل توجیه و دفاع همگان است؛ در تبیین این فرضیه می توان بیان کرد که در نظام حقوقی ایران، خسارت معنوی قذف قابل جبران است. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان معنوی و قابل جبران بودن آن صریحاً مورد نظر قانون گذار قرار گرفت و قواعد مربوطه پس از تصویب قانون مسئولیت مدنی توسعه ی بیشتری یافت. به طور کلی امکان مطالبه ی ضرر و زیان معنوی در مواد ۱، ۲، ۸ و ۱۰ این قانون را مورد تأیید قرار داده است.

با وجود اینکه بسیاری از مواد قوانین ایران با کتاب های فقهی امامیه مشابهت داشته اما هم عقل مستقل و هم روایت لا ضرر به طور مطلق و عام ضرر را نفی می نماید و ضرورت جبران هر نوع خسارت از آن قابل استناد است، علاوه بر آن در حقوق اسلام، توجه ویژه به آبرو و حیثیت افراد شده است و در موارد مربوط به توهین، تحقیر و ایجاد مزاحمت برای اشخاص و مانند آن مجازاتی پیش بینی شده است. «قاعده لا ضرر» حمایت از سرمایه ها و منافع اموال و آبروی انسانها و حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی جبران آن را ضروری و لازم می داند، لذا لزوم جبران خسارت به ضرر معنوی قذف، در آراء فقها برای جبران ضرر و زیان معنوی، صلح مالی را برگزیده و حتی در صورت عدم صلح در خسارات معنوی با عرف دانستن ضررهای وارده می توان چگونگی جبران آن را از دیگر کشورهای که در تأدیه خسارات معنوی پیشرو هستند در صورتی نداشتن مخالفت با شرع و عقل استفاده نمود.



## مراجع

- [۱]- قرآن کریم.
- [۲]- اسماعیلی، محسن، ۱۳۷۷، نظریه‌ی خسارت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- [۳]- آقایی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، نشر میزان، تهران، چاپ سوم.
- [۴]- بجنوردی، میرزا حسن، ۱۳۵۵، القواعد الفقیه، جلد ۱، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- [۵]- حسینی، فاطمه‌السادات؛ قیوم‌زاده، محمود و رهبریور، محمدرضا، ۱۳۹۴ ش. «بررسی فقهی و حقوقی جبران ضرر معنوی در قذف»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره چهل و یکم.
- [۶]- داراب‌پور، مهرباب، ۱۳۹۰، مسئولیت‌های خارج از قرارداد پرداخت خسارت استراد عین، مجد، تهران، چاپ دوم.
- [۷]- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، خرسندی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- [۸]- شریعت اصفهانی، فتح‌الله، ۱۴۰۶، قاعده لا ضرر، جماعه المدرسین مؤسسه نشر السلامی، قم.
- [۹]- طاهری، حبیب‌الله، بی تا، حقوق مدنی ۳-۴، جلد ۲، قم، چاپخانه‌ی دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۱۰]- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، الکافی، ۱۵ جلد، دارالحدیث للطباعة و النشر، قم- ایران، چاپ اول.
- [۱۱]- نقیعی، سید ابوالقاسم، ۱۳۸۸، خسارات معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم.
- [۱۲]- مرعشی، محمد حسن، ۱۳۷۰، دیه ضرر و زیان ناشی از آن، مجله قضائی و حقوق دادگستری، شماره ۱.